

## بازتاب

### نقدی بر مقاله «اسما و صفات در مناهج البیان»

ابتدا بر خود لازم می‌دانم از همه نویسندگان گرامی مجله و سردبیر و اعضاء هیئت علمی که در به سامان آوردن این اثر نقش خویش را به خوبی ایفا کرده‌اند تشکر و قدردانی نموده و انتشار نخستین شماره آن را به تمام دست اندرکاران تبریک عرض کنم. ولی از آنجا که نقد علمی و انتقاد صحیح نسبت به آثار علمی تأثیر به‌سزایی در رشد و تکامل مقالات دارد تذکری در مورد مقاله «اسماء و صفات الهی براساس تفسیر مناهج البیان» اثر خامه دانشور گرامی جناب آقای محسن احتشامی نیا به عرض می‌رسانم. و آن اینکه ایشان در ۱۵۳ در رابطه بانظر مرحوم استاد آیه الله ملکی میانجی در اسما و صفات حق تعالی می‌نویسند: «از نظر صاحب تفسیر مناهج، تمامی صفات حضرت حق اصالتاً او را تنزیه می‌کنند و از قبیل سلب مقابلات و الهیات تنزیهی می‌باشند، زیرا که تمامی صفات او، از مقایسه و تفاضل پیراسته و برکنار است. مقایسه، بین دو چیز است که قابل مقایسه و مشارکت باشند و امکان زیادی و کمی بین آن دو وجود داشته باشد... و هرکدام از این اسماء، در واقع سلب مقابلات آنهاست. یعنی وقتی می‌گوییم: «خدا عالم است» یعنی جاهل نیست. و وقتی می‌گوییم: «قادر است» یعنی ناتوان نمی‌باشد. به هر حال، همیشه باید خداوند را تنزیه و تسبیح نمود»

این سخن در حالی به صاحب مناهج نسبت داده می‌شود که ایشان در کتاب توحید الامامیه صفحه ۲۷۲ همین سخن را که اسماء صفات الهی به تنزیه بر می‌گردند نقل نموده و ردّ می‌کنند. ایشان می‌فرمایند «لا يجوز أن يقال: إن النفي المذكور فيها [أي في الروايات التي يقول فيها: والله نور لا ظلام فيه، وحي لا موت فيه، وعالم لا جهل فيه] تفسير

لنور العلم والحياة لما أن القول به التزام ارجاع هذه النعوت والكمالات الذاتية إلى المعاني السلبية فيكون المراد من العلم عدم الجهل ومن الحياة عدم الموت... ولا وجه ولا سبيل إلى هذا القول، لأنه التزام بالتعطيل في العلم والقدرة والحياة»

«صحيح نیست که گفته شود: نفیی که در روایات بعد از صفات خداوند متعال ذکر شده [مانند خدا، نور است تاریکی در او نیست، زنده است، مرگ در او راه ندارد، داناست، جهل ندارد...] تفسیر نور و حیات و علم نیست. زیرا قول به این معنا ملتزم شدن به ارجاع نعوت و کمالات ذاتی الهی به معانی سلبی است. یعنی مراد از علم عدم جهل و از حیات عدم مرگ و... است. و چنین قولی وجهی ندارد و راهی برای پذیرش آن وجود ندارد. زیرا این امر موجب التزام به تعطیل در علم و قدرت و حیات است.»

ایشان در تفسیر مناهج البیان هم تا آنجایی که اینجانب اطلاع دارم، ارجاع کمالات و صفات ذاتی خداوند سبحان را به سلب متقابلات تصحیح نکرده است و منظور ایشان از منسلخ بودن افعال تفضیل در صفات الهی، نفی هرگونه اشتراک میان خالق و مخلوق و تثبیت اشتراک لفظی در اسما و صفات الهی است. و منظور ایشان از اشتراک لفظی هم آن نیست که این اوصاف با مفاهیم خاص نسبت به خداوند سبحان اطلاق می شود، بلکه مراد ایشان در این زمینه هم به تعریف الهی برگشت می کند. و با این تبیین خاص است که قائل به عدم تعطیل در صفات الهی می شوند که اینجانب در ترجمه توحید الامامیه صفحه ۵۲۵ در پیوست ۳ در این مورد توضیحاتی نوشته ام.

محمد بیابانی اسکویی

بازتاب



## دو نکته در مورد دو مقاله از نخستین شماره

ویرایش فصلنامه‌ای تخصصی موضوعی با مخاطبان فرهیخته، کاری است دشوار، که از سویی توجه به زمان و از سوی دیگر، توجه به کیفیت و صحت مطالب را می طلبد. به عبارتی دیگر، در این جایگاه باید دو عنصر دقت و سرعت را به گونه‌ای لحاظ کرد که هیچ یک از آنها فدای دیگری نشود. با این همه، در مواردی، رعایت نشدن این اصل، به خطاهایی منجر می شود که گاه، اساسی و مهم است.

دو تن از خوانندگان دقیق و تیز بین، در مورد دو مقاله از نخستین شماره، تذکراتی دادند که به اطلاع نویسندگان آنها رسید، و این تذکرات را پذیرفتند. اینک آن دو نکته - باتشکر از اساتید تذکر دهنده - برای آگاهی عموم خوانندگان بیان می شود:

۱. در صفحه ۱۱۹، سطر ۱۴، مقاله «شفاعت در تفسیر مناهج البیان»، سخنی از «شیخ ما» نقل شده، و مراد از او، استاد مرحوم آیه الله ملکی یعنی آیه الله میرزا مهدی اصفهانی دانسته شده است.

اکنون برای تصحیح می گوئیم: از سطر ۱۴ تا ۱۹، مضمون کلامی است از شیخ محمد عبده، که در تفسیر مناهج البیان نقل شده است. و از آن جا که بخشی از تفسیر المنار، تقریرات دروس تفسیر شیخ عبده به قلم محمد رشید رضا است، در مواردی باتعبیر «شیخنا» از او یاد می کند.

۲. در صفحات ۱۴۰ و ۱۴۱، مقاله «نگاهی به علوم قرآنی براساس تفسیر مناهج البیان»، چند بار تعبیر «مشیت ازلی» به کار رفته است.

اکنون برای تصحیح می گوئیم:

براساس برخی از روایات که مرحوم آیه الله ملکی میانجی پذیرفته اند، مشیت، محدث است نه ازلی (التوحید، ص ۳۳۶ و ۱۴۷؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۵؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۲۲؛ ر.ک. ترجمه توحید الامامیه، فصل ۱۲، ص ۳۶۹ - ۳۸۰).  
از این رو، در کتاب «مناهج البیان» نیز این تعبیر را به کار نبرده اند. و کاربرد این تعبیر، سهوی از نگارنده مقاله بوده است.

از خدای حکیم می خواهیم که ما را از خطا و لغزش در قول و عمل نگاه دارد.

عبدالحسین طالعی

## نامه ای از مشهد

سفینه زیبایتان به ساحل این جزیره متروکه رسید و برای این حقیر منزوی که مدت ها بود دستها را سایبان چشم ها کرده وافق های دور را به امید رؤیت اثری ارزشمند می نگریست، شادی فراوان به ارمغان آورد، خدایتان مسرور کند.

چون تشنه‌ای که در حسرت آب سوخته و اینک در مواجهه با زلال آبی گوارا نمی‌داند چگونه آب بنوشد، باشتاب خود را در معرض آبشار نقره فام صفحات آن قرار دادم و خنکای آن را با همه جان و دل احساس کردم...

باری امید آن دارم که حضرت باری تعالی این مشکاة افروخته را در این شب ظلمانی آخرالزمان روشن و روشن‌تر بدارد و این سفینه نور را بر پهنه امواج طوفان جاهلیت مدرن و سیله‌ای گرداند تا هرچه بیشتر، غرقه شدگان را به سلامت به ساحل امن ولایت ائمه نور سلام الله علیهم رهنما گردد. بمنه و کرمه.

دستتان را از دور به گرمی می‌فشارم و بار دیگر تشکر خود را تقدیمتان می‌دارم.

سید مرتضی موسوی گرمارودی

۱۳۸۳/۱/۲۵

## نامه‌ای دیگر

انتشار نشریه‌ای تخصصی در حوزه مطالعات اسلامی و علوم قرآن و حدیث جهت استفاده جامعه دانشگاهی حوزوی و پژوهشگران مسائل دینی باهدف تبیین حقایق دین که بدون جدال و تعصب خواهان پرده برداری از حقایق مغفول باعنوان فصلنامه "سفینه" است، می‌تواند فرونشاندن عطش فزاینده محققان و دانش پژوهان به شناخت دقیق تحلیلی اسلام باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



در ابتدا خواننده می‌تواند با نگاهی کوتاه به فهرست و سرفصلها به کلیتی از مفاهیم، محتویات و اهداف نشریه دست یابد. از خصوصیات آشکار نشریه رعایت امانت، دقت، تعهد و مسئولیت است که موجب شده خواننده به سهولت موفق به ایجاد روابط منطقی میان مقالاتی که دارای موضوعات مشابه هستند گردد. اسلوب قوی نگارش که در طرح کلی مقالات به چشم می‌خورد و همچنین ارائه اسناد و پی‌نوشت‌های معتبر، از دیگر امتیازات این فصلنامه محسوب می‌شود.

ویژگی دیگر نشریه این است که خواننده با صرف زمانی اندک می‌تواند بهره‌و آفری از مطالب نشریه در جهت مطالعه تالیف و گزارشهای مستند به دست آورد.

## پیشنهاد :

۱. فصلنامه در هر شماره فقط به معرفی یک موضوع خاص و یک نوع کتاب می‌پردازد و حال آنکه می‌توانست با رعایت اختصار به موضوعات بیشتری بپردازد.
۲. نشریه به صورت آبونمان با تیراژی معین در اختیار قشر دانشجو، طلبه و کتابخانه‌های عمومی قرار گیرد.

### شکوفه نیک آبادی

(کارشناس اداره کل تهیه و تألیف متون وابسته به معاونت

پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی)